



۲۰۱۵/۱۲/۰۴



دوکتور محمد ظاهر عزیز
سفیر سابق افغانستان در یونسکو

سیاست خارجی افغانستان

قسمت دوم

باید بپذیریم که سیاست خارجی افغانستان در تحت رهبری آقای کرزی مانند دیگر امور در کشور ناکام بود. سه مثال عمده در این حقیقت بس کننده است:

- یکی از آرزومندی های خاص مرد و زن افغان، تعمیر و تحکیم صلح پایدار در کشور با حفظ شخصیت و منافع علیای ملی مردم افغانستان است. این هدف بزرگ در صورتی امکان پذیر می بود که در این زمینه توافق ملی به وجود می آمد و رهبری این پروسه بزرگ با درایت و وطن خواهی در روشنی کامل با مردم کشور و در توافق با وکلای مردم وطن بدون سیاست دو دلی و بدون سیاست متناقض (دشمن و برادر) به پیش برده می شد، که نشد. متأسفانه که موضع گیری های ضعیف حکومت افغانستان در طول سالهای گذشته بر مسایل مهم وابسته به این داعیه افغانستان و عدم شفافیت در سیاست داخلی و خارجی حکومت آقای کرزی باعث شده است که امروز در یکی از مهمترین مسایل مربوط به افغانستان (مذاکرات صلح با طالبان)، ناکام باشیم.

- در طول سالهای گذشته سیاست خارجی افغانستان بدون تفاهم با نهاد های ملی از طرف یک شخص با تصمیمگیری های سلطانی در معرض عمل قرار می گرفت. پذیرش، اشغال کریمیه از طرف روسیه، کریمیه که جزو خاک یوکر این است، شناسایی الحاق ان به روسیه از طرف رئیس جمهور سابق کشور در جمله سیاست خارجی نادرست به حساب می رود. این تصمیم که کاملاً شخصی و مقابله با امریکا و اروپای غرب بود، با منافع علیای افغانستان خاصاً در این مقطع زمان در تضاد است.

- با وجود پذیرش و تصویب لویه جرگه مشورتی، پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده از طرف آقای کرزی به امضا نرسید. دلایل آقای کرزی بر عدم امضای این پیمان هنوز به مردم افغانستان روشن نیست. خلاصه اینکه سیاست خارجی افغانستان به صورت کل سیاست خارجی شخصی محسوب می گردید، نه سیاست خارجی یک کشور مبتلا به مشکلات حاد و متعدد.

بر می گردیم برین موضوع مبنی بر اینکه، برای طرح و کاربرد یک سیاست خارجی هوشیارانه، موفق، متوازن موافق بر صلاح و منافع علیای کشور در این مقطع زمان برای کشور ما که به صدها مشکل بزرگ اجتماعی، اقتصادی، نا امنی و دیگر بحران ها مبتلا است به چه کار های مهم در تفاهم با نهاد های ملی، در سطح ملی، منطقوی و بین المللی دست بزنیم تا خدمتی به فرزندان امروز و آینده این کشور انجام داده بتوانیم:

الف: در سطح ملی:

باید صادقانه بپذیریم که اکثر مردم افغانستان در فقر، گرسنگی، مریضی، بیسوادی، بیکاری، بی عدالتی، در محیط فساد اداری و مالی و در یک فضا و محیط سیاسی بحران انگیز و نشویش آور زنده گی می نمایند. این همه حالات، از چندی، وحدت و همبستگی ملی، حاکمیت ملی و رفاه و آرامش مردم وطن ما را به خطر انداخته و سر نوشت این ملت با دیانت و شریف را در حالت سر در گمی مبتلا ساخته است. من مانند ملیون ها اتباع وطنخواه این کشور امیدوارم که در سطح ملی، مردمی و دولتی، برای چاره سازی این معضلات بزرگ در کشور، در قالب تفاهم حکومت وحدت ملی اقدامات مؤثر، هوشیارانه و وطن خواهانه بدون مظاهر امتیاز خواهی گروهی، قومی و سمتی صورت گیرد تا امیدی برای حیات نسبتاً مرفه برای هر یک از اتباع شریف این مرز و بوم میسر گردد. در سطح ملی ما به قبول اصل های زیر مجبوریم:

۱- قبول شناخت حقوق مساوی (حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر حقوق انسانی که در رفاه و حیات معنوی و مادی مؤثر باشد)، برای همه اتباع افغانستان.

۲- پذیرش حقیقت و ضرورت تبادل نظر و مفاهمه از طرف رهبران کشور با همه گروه های سیاسی، حزبی و مذهبی افغانستان. مذاکره میان همه حلقه های سیاسی در داخل و بیرون دستگاه دولتی به منظور راه یابی به حل مشکلات و بحران حاد کشور ما و به منظور اتخاذ تصمیم ملی که ما را در مذاکرات و مناقشات در سطح ملی، منطقوی و بین المللی کمک و راهنمایی نماید.

۳- راست کاری و راست گویی به مردم کشور در تمام مراحل مذاکرات در جهت تحکیم تفاهم و تصمیم ملی و در مورد جریان مذاکرات با گروه های مخالف مسلح، کشور های منطقه و در سطح جهانی.

۴- ارزیابی سیاست خارجی کشور در ورای واقعات تاریخی نزدیک کشور و همچنان در ورای روابط کشور با همسایه ها، ارزیابی صادقانه از ناکامی ها و موفقیتها در طی سالهای نزدیک گذشته.

۵- تقویت حسن تفاهم و همزیستی میان مردم افغانستان. باید واضح گفته شود که در تاریکی و قساوت فکری، جدایی، عدم تفاهم و وحدت ملی و در بر انداختن دشمنی در جهت تفوق جویی بر اساس مظاهر قومی، زبانی، منطقوی و مذهبی صیانت ملی و افغانی صدمه می بیند و همه در مشکلات بدتر از امروز مبتلا می شوند و خدا ناخواسته حاکمیت ملی پامال خواهد شد.

۶- در روشنی حفظ منافع عالیای افغانستان (ارزشهای معنوی و فرهنگی، تمامیت ارضی، استقلال، همبستگی، وحدت و حاکمیت ملی) بحث هوشیارانه با نظر وسیع و بدون مخاصمت های شخصی و احساسات زبانی و قومی بر ضرورت باز نگری قانون اساسی افغانستان به منظور انتخاب نظام سیاسی متناسب به حالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

چگونگی دولت سازی و دولت داری در قبول تساوی حقوق کافه مردم افغانستان (مرد و زن) و اختیارات واضح قوای اجراییه، قضایی و مقننه و روش و طرز اختیارات قانونی در سطح ولایات افغانستان.

۷- انتخاب راه دین و دانش و عدالت اجتماعی به کمک متخصصین و دانشمندان افغان، آنهایی که در داخل وطن و یا بیرون از افغانستان زندگی می نمایند، به منظور طرح ستراتیژی ملی انکشافی و طرح برنامه های قصیرالمدت و طویل المدت خصوصاً در ساحات تعلیم و تربیه، ارتقای فرهنگ، اقتصاد، زراعت و استفاده از منابع بزرگ طبیعی خصوصاً زمین و آب، منابع زیر زمینی با حفظ محیط زیست و توسعه خدمات صحی در کشور.

۸- دید و نظر وسیع و انتخاب روشهای سیاسی احزاب سیاسی، پذیرش مزایای تنوع فرهنگی مردم افغانستان اسباب تقویت اساسات دیموکراسی، همبستگی ملی و اجتماعی و بردباری، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و اقوام و محلات افغانستان را بار می آورد و در تقویت صلح و امنیت، حقوق بشر و شناخت احترام به یک دیگر در سطوح محلی و ملی می شود. مجموع اصل های فوق در تحکیم وحدت ملی کمک می نمایند فلذا در اجرای سیاست خارجی موفق، مؤثر است.

۹- در طول تاریخ، جوامع مختلف انسانهای صاحب عقل و دارای بینش، زمانیکه کشور شان مانند وطن ما به مشکلات بزرگ گیر می آید، میان احزاب سیاسی و حتی گروه های متخاصم، در جهت تبادل نظر و راه یابی به تفاهم ملی، کوشش مینمایند. در وطن ما نیز حل مشکلات از طریق گوش دادن به نظریات مختلف و یا مخالف به منظور ایجاد تفاهم ملی به کمک و همکاری صادقانه و لسی جرگه و مشرانو جرگه، احزاب سیاسی، دانشمندان صاحب نظر و متعهد به منافع عالی افغانستان، در یک فضای آزاد و بدون مخاصمت، امکان پذیر است. گفته شد که تحکیم وحدت ملی تأثیر قابل ملاحظه در سیاست خارجی وطن ما دارد.

۱۰- اگر از تاریخ درد آور سالهای نه چندان دور کشور ما درسی گرفته باشیم، باید در تفاهم و همبستگی ملی برای حل مشکلات بزرگ افغانستان تصمیم مشترک بگیریم. از تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان خوشنود باشیم و از آنها در راه برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، قبول احترام به دیگران، درس عبرت بگیریم و بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود را مبتنی بر بردباری و سازگاری متقابل افزایش دهیم. اگر در چنین روش موفق شویم، دشمنان مردم و وطن ما جرأت تجاوز را در امور داخلی و حریم مقدس افغانستان نخواهند داشت.

ب: در سطح منظوقی:

مدت بیش از سی سال است که افغانستان در قید بازی های همسایگان خصوصاً پاکستان قرار دارد. بعد از جنگ عمومی دوم، کمتر کشوری در جهان به چنین حالت درد و رنج، کشتار، فقر، تباهی و خانه جنگی ها قرار گرفته است. اتحاد شوروی سابق در بیست و پنجم دسامبر ۱۹۷۹م وطن ما را اشغال کرد و بعد از تباهی کامل وطن ما و قتل بیش از دو میلیون افغان با ایمان و وطنخواه مجبور شد افغانستان را با سیاه رویی ترک گوید. اشغال افغانستان برای رژیم

نظامی پاکستان و آی، اس، آی وسیله کسب و حفظ قدرت در داخل پاکستان، کسب موقف عالی سیاسی در غرب و کشور های مسلمان و وسیله کسب میلیارد ها دالر و اسلحه به نفع پاکستان شد.

رژیم نظامی پاکستان هیچ وقت طرفدار موفقیت کامل مجاهدین و یا تفاهم و اتفاق میان شان در جهت ساختن یک دولت متحد و قوی در افغانستان مبتنی بر ارزشهای دینی، فرهنگ افغانی، حاکمیت ملی مردم افغانستان، دیموکراسی و حرمت به منشور ملل متحد نبود و تا امروز با انواع بازی های کثیف به امور داخلی افغانستان مداخله می کند، تروریستها و دشمنان مردم افغانستان و دشمنان اسلام را در داخل خاک پاکستان تربیه نظامی میدهند و برای ویرانی و قتل افغانها به وطن ما می فرستند، به خاک مقدس وطن ما راکت می فرستند. کوتاه اینکه دشمنی همه عیار را با مردم افغانستان ادامه میدهند. از دشمنی پاکستان با وطن و مردم ما، صدها مثال را می توان ذکر کرد.

در طرح و بکار بردن سیاست خارجی موفق، هوشیار و متوازن در منطقه، ما به مشکلات و مسایل عمده زیر روبرو هستیم و حتماً سیاست خارجی وطن ما را تحت تأثیر می داشته باشند:

- مسأله تاریخی دیورند و مسایلی که با خط دیورند وابستگی دارند،(پذیرش و یا رد دیورند به صفت خط سرحدی رسمی از طرف افغانستان، مسایل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مردم هر دو طرف خط که دارای ارزشهای مشترک هستند، تقسیم آب که فعلاً به پاکستان سرازیر است).

- خواست پاکستان به عمق ستراتیژی در افغانستان و حتی به آسیای مرکزی.

- خواست پاکستان به یک حکومت ضعیف و ناکاره مانند حکومت آقای کرزی

- جنگ نیابتی میان پاکستان و هند در کشور ما.

- حکومت تصمیمگیر، هوشیار، پاک نفس و وطنخواه در افغانستان، که با تحکیم و تفاهم وحدت ملی و شناخت کامل قوانین میثاق ها و فیصله های بین المللی سیاست خارجی وطن را، طرح و تطبیق نماید.

- توانایی، هوشیاری و شناسایی سیاست های منطقه ای، اقتصادی، تجارتي، صنعتی و نظامی، دو قدرت بزرگ آسیا(چین و هند) که در این منطقه، در آسیا و در جهان، نفوذ و قدرت روز افزون دارند. هر دو کشور بر طرز و روش سیاست افغانستان در منطقه نقش بزرگ دارند.

- سیاست و روابط متوازن و روز افزون افغانستان با ایران و کشور های آسیای مرکزی.

- دانش و استفاده درست از موقعیت جغرافیایی افغانستان به حیث پل خاکی و ترانزیتی میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا و چین. به عبارت دیگر انکشاف و استفاده از راه ابریشم و راه لاجورد.(تنها با امضای قرارداد های ترانزیتی با کشور های منطقه نمیتوان موفق بود).

باید بپذیریم که سیاست خارجی افغانستان در منطقه از سالهای دراز در قید تصامیم حکومت پاکستان با هدایت خصمانه‌ی آی، اس، آی بوده و حکومت آقای کرزی نتوانست با سیاست عذر خواهی، دوعا و سفر های بی ثمر به پاکستان، این مشکل بزرگ وطن ما را حل نماید.

مردم افغانستان با مردم پاکستان و دیگر همسایگان خود در قالب منافع علیای افغانستان به دوستی و زندگی آبرومند بر حسب اراده‌ی کافه‌ی مردم افغانستان، ضرورت دارند و در راه حصول چنین دوستی می باید با هوشمندی و صداقت به اصل های زیر مراجعه گردد.

۱- با داشتن یک ستراتیژی قصیر المدت و طویل المدت که در آن منافع علیای افغانستان در نظر گرفته شده باشد، تبادل نظر با همه گروه های سیاسی، حزبی و نماینده گان مردم افغانستان در ولسی جرگه و مشرانو جرگه به منظور رسیدن به درک و تفاهم ملی در قبال سیاست خارجی کشور در منطقه.

۲- گفت و گو و مذاکرات با همه کشور های منطقه خاصاً با پاکستان باید روشن و واضح بوده و همه مسایل مورد اختلاف ما را با پاکستان در بر گیرد. این نوع گفت و گو ها باید با دیپلوماسی هوشیارانه، صادقانه و خاصاً با آشنایی کامل به سوابق مسایل مورد بحث و حتماً در قالب معیار های بین المللی قبول شده‌ی حسن همجواری، همکاری و دوستی دو جانبه، آغاز و تعقیب گردد و برای ثبت تاریخ، به مردم افغانستان اطلاع داده شود.

۳ - همه میدانیم که پاکستان و دیگر کشور های منطقه از افغانستان تقاضا هایی دارند. در حالیکه به نگرانی های مشروع آنها و یا تقاضا هایی که اهدافش مداخله در امور داخلی، بی حرمتی به حاکمیت ملی افغانستان و یا تقاضای عمق ستراتیژیک از ما نباشد و با حسن نیت و همکاری و دوستی متقابل ارایه گردد، با گوش هوش شنیده شود. اما با آن تقاضا هایی که با زبان برادر بزرگ ارایه میگردد و یا اهداف آنها عدم دوستی و یا سستی همکاری با کشور های دوست افغانستان در منطقه مثلاً (هندوستان) باشد، جواب عاقلانه و رد داده شود. من به صفت مرد وطنخواه جداً توصیه می نمایم که رهبران حکومت وحدت ملی نباید با خنده های زهر آگین نظامیان پاکستان اعتماد کامل نمایند. ظناً دوستی دروغین پاکستان را نباید در بدل سستی همکاری و یا عدم دوام دوستی با هندوستان بخریم. این نوع حرکت به نفع منافع علیای افغانستان نیست.

۴- با داشتن سیاست هوشیارانه، دانش سیاسی و تاریخی افغانستان و تفهیم این مطلب به همسایگان که افغانستان هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ جغرافیایی اهمیت و مقام بزرگ ستراتیژیک در آسیای مرکزی دارد. افغانستان به حیث یک پل خاکی مصدر خدمات بزرگی برای همسایه ها، آسیای میانه، چین و شرق دور، کشور های آسیای مرکزی با هندوستان شده می تواند. افغانستان می تواند در خدمت همه مردمان این کشور ها باشد. مانند گذشته و بکار بردن راه ابریشم و لاجورد، در تبادل افکار، فرهنگ، اقتصاد، تجارت و تکنالوژی امروزی و فردا کمک قابل ملاحظه به همه کشور ها صورت میگیرد و همه مردمان آسیای مرکزی و جنوب آسیا مستفید میگردند.

حکومت آقای کرزی نتوانست کشور های منطقه را متقاعد سازد که افغانستان در تأمین منافع خود، سود دیگران را نیز تأمین کرده می تواند.

۵ - باید گفت که افغانستان هیچ گاهی با همسایه گان، خاصاً با مردم پاکستان روش و نیت منفی و دشمنانه ندارد. مردم افغانستان با مردم پاکستان علاقه و سوابق تاریخی و ارزشهای معنوی و فرهنگی مشترک و دراز مدت دارند. ما به دوستی و همکاری همه همسایه های خود ضرورت داریم. اما اگر حکومت و دستگاه نظامی و جاسوسی نظامی پاکستان روش فعلی را که دشمنانه و مداخله در امور داخلی افغانستان است، دوام بدهد، به خاک مقدس افغانستان راکت اندازی را ادامه دهد، به منظور حفظ حاکمیت ملی، منافع علیای کشور، حفظ شرافت و غرور ملی و بالاخره استقرار امنیت در وطن ما و در منطقه، افغانستان اجباراً و حتماً در برقراری امنیت، حاکمیت ملی و دفاع از خاک خود به همه وسایل دست بزند و اگر نکند، خیانت ملی محسوب می گردد. در صورت لازم، بعد از مراجعه دیپلماتیک با هوشیاری، باید به شورای امنیت و دیگر نهاد های بین المللی و منطقوی مراجعه گردد.

حکومت آقای کرزی با سیاست متضاد و سلطانی شخصی خودش در تأمین این وظیفه ملی کاملاً نا کام بود. حکومت امریکا و ناتو هم در زمینه تجاوز پاکستان کار صادقانه به مردم افغانستان انجام ندادند.

امید است که رهبران حکومت وحدت ملی وظایف شان را در حفظ شخصیت ملی، انجام دهند و سیاست عذر خواهی و دعا خوانی آقای کرزی را با سیاست مداران تیز هوش، زیرک و پخته کار پاکستان، تعقیب نمایند.

پایان قسمت دوم

ادامه دارد